



حسین ثقفی اعزاز

بقیه مبحث روح شناسی

تجربتی نویسندهگان مذکور بپردازیم
Spiritisme Experimental
مستلزم آن خواهد بود که هزاران مقاله
وصدها ترجمه از آثارشان را گردآوری
نموده و پس از هرکامل افکارشان به
فارسی برگردانند تا بتوان هرچه بیشتر افکار
خواننده علاقمند را بدانها جلب نمود
و بحقیقت پی برد بدین منظور هر کس
بخواهد بوجود روح و اعمال و گزردان
آن روح ویا ارواح وحشی بپردازد بعالم

آنچه تاکنون درباره روح شناسی
نوشته ام گفتاری بس مختصر از کلیات
بوده است و مر بوط بقوضیحات و توصیفات
چند از چگونگی انجمن معرفة الروح
تجربتی ایران پیش از نیم قرن گذشته
بوده است که در ضمن معرفی کارگردانان
و طریقه انعقاد جلساتش معرفی برخی
از دانشمندان مغرب زمین که از قرن
هیجدهم م . تا اوائل قرن حاضر آثار
و شهرتی داشته اند پرداختم و چنانچه
بخواهیم بتمام جزئیات آثار روح شناسی

جسمانی آگاهی حاصل نماید بایستی علاوه بر معقّدات خداشناسی و دینی جبلی خویشتن دانشمند بوده باشد و احاطه یکی از زبانهای مغرب زمین بخصوص زبان فرانسه و یا انگلیسی داشته باشد. تا بتواند بهترین آثار دانشمندان مذکور را که شامل فلسفه روحی بوده بگزیند و بدقت بخواند و بخوبی بتواند درک نماید.

پدرم دکتر خلیل ثقفی (اعلم الدوله) غالباً بهم مسلکانش توصیه و گوشزد می نمودن نیز همانطور که اکثر دانشمندان مغرب زمین توصیه نموده اند معتقدم که لزومی ندارد جوانان بخصوص تا زمانی که مشغول امرار معاش و شامل زندگی مادی بوده اند بایستی از روحشناسی اجتناب ورزیده و بطور کلی اوقات خود را مصروف بامور مادی نمایند چه بسی امکان دارد که به نظریاتی جبران ناپذیر مواجه گردند من باب مثال بی شک و تردید امکان دارد برخی از جوانان بی تجربه که پی بوجود عالم ارواح و بازگشتشان بعالم جسمانی برده بهمین دلخوشی بر اثر ناراحتی های وارده دست بخودکشی زندگانی از اینکده چنین عمل ناشی از آگاهی ناقص و بی تجربه گی آنان در معرفه الروح بوده و گناهی کبیره مرتکب میشوند.

مجله وحید (خاطرات)

بنابراین بعقیده دانشمندان فوق لزومی ندارد که جوانان بطور اعم به معرفه الروح و بخصوص عود ارواح گرائیده شوند و من بنده هم این مقاله را بخاطر علاقمندان و دانشمندان مینویسم که دست از هر گونه امور مادی کشیده جز بقانع بودن يك زندگانی آرام مختصر و سر پرستی به عائله خویش و دست گیری متناسب بزیردستان و مستحضران و چندان کار مهمی بامور مادی نداشته باشند و بحدبازنشستگی رسیده باشند درین هنگام است که میتوانند متمایل بدانستن و تجارب در روحشناسی بشوند.

بهر حال برای این قبیل افراد ذی علاقه لازم دانستم که بعضی از نکات مهم روح شناسی را چون واسطه انسان (Medium) جسمانی را با روح و عکس برداری از ارواح که بوسیله دست افشانی بسوی پرده عکاسی صورت میگردد تشریح نمایم:

فلوئید **Fluide** یا سیاله با اصطلاح روحیون نیروی ناشناس مشخصی است از نوسانات ضروری و قطعی جسمی و روحی که در عالم جسمانی نیروی سیالش حرارت و روشنائی و نشو و نما را بوجود می آورد و در عالم روحی بقفل و انفعالات روحی غیر مرئی میپردازد.

بگفته کماندان دارژه Darget که شهرت جهانی وی درعکس برداری از ارواح زبازند تمام معتقدان و آشنایان به فن عکس برداری از ارواح میباشد کلیه اجسام چه معدنیات و نباتات و چه انسانها و حیوانات تشعشعاتی از خود میافروزند که نامرئی و بظاهر غیر محسوس میباشند دارژه این تشعشعات را به علامت V «و» نامگذاری نموده است و منظورش از علامت V نخستین کلمه لغت Vitaux-ویتو) میباشد به معنای جمع اجسام ذی حیات که شامل روح میباشد این تشعشعات در نباتات دارای فعل و انفعالاتی متناوب میباشد و وابسته است بکم و کاست و یا ازدیاد و افزایش نشو و نمای زندگی بخصوص نوع خودش و اما نیروی نامرئی و نامحسوس تشعشعاتی حیوانات نیز تقریباً نظیر نیروی تشعشعاتی نباتات بوده منتهی کم و بیش شدیدتر ولی با فعل و افعالی غیر محسوس و نه چندان متناوب که آنهم بستگی دارد بنوع حیوانی او و وضع صحت و سلامت آنان. در خصوص کم و کاست نیروی تشعشعاتی انسان باید دانست که نه فقط نیرویش بستگی بداشتن وضع فیزیکی بوده بلکه دارای وضع تشعشعاتی بسیار نیرومندتری میباشد که همانا نیروی تشعشعاتی انسانی میباشد. بگفته کماندان دارژه Commandant Darget این قوه سیال روحی بگفته و تأیید او در امر عکس برداری از ارواح انسانهای در گذشته بوسیله پلاک شیشه‌ای (آن زمان که هنوز با فیلم عکس برداری نمیشد تسهیلاتی بوجود آورده بود) حتی عکس روح حیوانات را بر میداشتند اما با حضور صاحبان در گذشته آنان که عامل تربیت خوب آنان گشته بودند با نیروی فکری انسانی خود همیشه حیوان ذی‌علاقه خود را در کنار خود متجسم مینمودند و هر چند با همین طریقه عکس برداری موجودات که اکثراً عکسهای نامحسوس برداشته میشد معذک عکس در گذشتگان و شناسائی آنان کاملاً تشخیص داده می‌شد و بوسیله همین قلوئید است که کماندان دارژه عکس برداری موسوم بکلمه ویژه V را که بمعنی مانیتیمس انسانی یا بهتر بگوئیم عکس برداری از ارواح را از ماوراء طبیعه یا عالم ارواح و حتی افکارشان بمالیمان است آشکار نمود. نویسنده بهتر می‌داند که از این پس این نیروی روحی را قلوئید انسانی بنمائیم.

وی و هم مسلکان روحیش چون ادونل O. Donnel و کلنر Kilner که در زمان گذشته تعلیماتی از شارکو Chareot گرفته بودند چندین قسم عکس از ارواح بردارند عکسهائی چون روح در حالت خشم و آشفتنگی روح در حالت شك و تردید و حسد و یاد در حالت تنگ دلی و اضطراب روحی و غیره و همچنان دارژه می‌توانست بتنهائی از داخل شیئی که در فکریك انسان خطور می‌نمود بروی پلاک شیشه‌ای خود عیناً متجسم و منعکس نموده بدین صورت که شیئی مزبور بروی پلاک نقش مادی خود را منعکس و نشان دهد.

کماندان دارژه همچون روح شناسان دیگر میگفت در اطراف خارج هر بدنی از انسان سیاله ای شبیه به هوای طبیعی و معمولی وجود دارد نظریه دارژه

که سیاله مذکور را به هوا تشبیه نموده است بطور کامل و محققانه در نظر روحیون امروز مفهوم می گردد مگر آنکه بیشتر موشکافی نموده بجای این نظریه تحقیقات نموده و کیفیت حقیقی آن را که عبارت است از ذرات نامرئی و بی وزن روحی با پوششی که موسوم به اکتو-پلاسم **Ectoplasme** روحی زندگان میباشد بطور وضوح حلاجی و صریحاً بدین ترتیب تشریح شود . چنانکه باید دانست (اکتوپلاسم) مذکور پس از مرگ و رهایی روح از بدن دیگر همچو روپوشی خشن که در حیات میداشت نمی باشد ، این روپوش اکتوپلاسمی هنگام مفارقت از بدن خالی نامش تغییر نموده و بنام پریسپری (**Perispirit**) نامیده میشود - نیروی پریسپری و ذرات روحی داخلی آن چون از قید حیات جسمانی رهایی یافته بمراتب ذی شعور تر و نیرومند تر است از زمانی که در قید روح انسانی روپوش اکتوپلاسمی خود بوده است چه در آن موقع بسی آلودگی های مادی داشته و در این موقع زندگانی روحی آلودگی ها از او کاسته شده است و بهمین مناسبت میباشد که روحیون برای متمایز نمودن این تفاوت نام روح انسان زنده را بزبان فرانسه **Ame** گذارده اند و نام روح انسان در گذشته را اسپری **Esprit** گذارده اند و نیز بهمین منوال نام روپوش و یا لفافه انسان زنده را (که با اصطلاحی قالب مثالی گویند) (اکتوپلاسم **Ectoplasme** و نام لفافه روحی انسان در گذشته را (پریسپری - **Perispirit**) نامیده اند .

همین روح و پریسپری او که بمراتب از دوران حیات در عالم مادی آزادی کامل نداشت اینک در عالم ارواح بمراتب هوش و حواسش حتی حافظه و افکارش باز تر و ضمیری خالی از هر گونه دغدغه خاطر مادی دارد و بتناسب هر کدام نسبت به اعمال گذشته خود از قبیل بدکرداری و نیکوکاری گذشته خود در عالم جسمانی تکاپو مینمایند تا به تکامل روحی نایل گردند ارواح عاری از هر گونه امور مادی بوده هم آنان بخاطر تقویت تهذیب اخلاقی و تکامل روح خویش میباشد .

این ارواح که نسبتاً نیرومندتر از ارواح پست و بدکاره میباشد بهتر میتوانند خود را برای پلاک شیشه ای عکاس حاضر نموده و با تفکرشان خود و یا نقش را منعکس سازند .

طریقه عکس برداری بوسیله دست افشانی های عامل روحی که تجربه کاملی از علم (مانیه تیسم) **Magnetisme** و معرفه الروح داشته باشد انجام می پذیرد ضمناً میبایستی از فن این دوربین جدیدالاختراع ماوراء طبیعه سررشته کاملی داشته باشد .

در همان هنگام است که دست افشانیهای مغناطیسی او ذرات اکتوپلاسم روحی خود با اکتوپلاسم حضار مشارکت کننده که در کابین عکس برداری حضور یافته اند با دست
 ۹۷
 مجله وحید (خاطرات)

افشانی شخص عامل بسوی پرده عکاسی هدایت میگردد و چنانچه روح انسان در گذشته‌ای بروی پرده حضور یافته باشد بوسیله اکتساب ذرات مادی وارده و ممزوج گشتن آن باذرات غیرمادی خود که از حیث آلوده نبودن بکثافات مادی پس با شعورتر و حاضر الذهن تر میباشد حالت تجسم مادی بخود گرفته تا آنچه در فکرش در آن دقیقه خطور مینماید در پلاک شیشه‌ای عیناً منعکس شود .

این تجسم روحی در برابر دیدگان حضار از عامل نامرئی میباشد . فقط در پلاک منعکس شده و پس از ظاهر نمودن کاملاً قابل رویت است .

این عمل تجسم روحی را چه در روی صفحه عکاسی و چه در خارج که خود روح در انظار مردم عادی متظاهر میشود بفرانسه :

Manifestation spiritoide des Esprits

گویند . متخصصین در معرفة الروح همانانیکه بعلم مفناتیس آگاهی دارند میتوانند بوسیله حس مع الفاصله صحت و نادرستی اعمال روحی را تشخیص دهند که با اصطلاح فرانسویان آنرا چنین گویند :

Produire des phénomènes de telesthésie

در زمان حاضر عکس برداری از ارواح بوسیله عمال روحی بسیار متداول گردیده است .

چنانکه در اکثر آثار جدید فرانسه و همچنین انگلیسی عکس برداری هائی را ارائه میدهند که واقماً برای بینندگان غیر مطلع موجب تعجب و حیرت میگردد غافل از اینکه حتی در آخرین کشفیات معلوم ومبرهن گشته است حتی از فکر و خیال در گذشتگان نیز بهمان ترتیبی که فوقاً ذکر گردید میتوان عکس برداری نمود .

در آن زمان دارژه (Darget) فقط بفکرش رسیده بود که با همین نیروی روحی میتوان از ارواح استفاده نمود ولی امروز بثبوت رسیده است که از فکر روح زمان حال و گذشته میتوان عکس برداری نمود برای آنکه بتوان این عمل را واضح تر آشکار ساخت و دقیق تر حلایجی نمود عکس هائی را که با دوربین عکاسی ماوراء طبیعه برداشته بودند در حدود بیش از هفت صد عکس روحی بوده است .

یکی از این عکسها تصویر یک صلیب شکسته را نشان میداد که دست شخصی آن صلیب را سخته می فشارد پس معلوم گردید که دست و صلیب متعلق بسربازی آلمانی می باشد که در جنگ زمان هیتلر بقتل رسیده و در هنگام مرکز از فرط میهن پرستی علاوه و صلیب داری با آرزوی بارزی خود را نمیکشود بدست دشمن بدهد و در همان حالت همچنان در گذشته است . اینک پس

از چند سال هنگام حضور روی پرده عکاسی پیوسته با همان حالت هیجان و آشفتنگی باقی مانده و با همان وضعیت واپسین دقایق زندگانی خود بروی پرده منجم گردیده است و بدیهی است هر چه نیکوکارتر بوده باشد این حالت از او سلب می‌گردد و بحالی دیگر در می‌آید. از واقعه دیگری نیز عکس برداری شده است ولی نه درین کتاب بلکه در جای دیگر و آن عکس زن جوانی بود که بحال غم و اندوه زیر درختی در بوستانی روی چمن لمیده با قیافه‌ای غمناک بفکر فرو رفته است و در همان حال در گذشته است با دیدن این عکس میتوان حدس زد که زن مذکور در حالی در گذشته است که یا از فرط غصه یکی یا چندتن از خویشاوندان و یا براثردر گذشت و یا مقتول گشتن نامزد و یا شوهر و یا معشوقه‌اش در گذشته و بمر خود پایان داده است .

این زن نیز تامدتی در همین وضع روحی بسر می‌برد و با همین دست‌از‌عکس برداری شده است و بر طرف شدن این حالت بسته است به زمانی که برای نیکوکاری و یا بدرفتاری او در عالم ارواح تعیین گردیده است .

در تخت پولاد

بقیه از صفحه ۹۰

شخص توسل‌کننده یا بحق خود میرسد و یا بالاخره از عقوبت گناهی که کرده بود خلاص می‌شود . والیته این را هم باید اضافه کرد که آن شخص واسطه اگر نمیتوانست ملتجی بخود را آسوده و راحت کند و شفاعت او نزد پادشاه و یا حاکم مورد قبول واقع نمیشد در میان اقران خود خوار و ضعیف میشد و نفوذ و حیثیت او از بین میرفت . بنابراین برای حفظ شئون و اعتبار خود هم که شده بود سعی میکرد مقصر را از مجازات نجات دهد .

مجدد الشریعه - گمان میکنم باید این نکته را هم اضافه کنید که این اشخاص میانجی وقتی وساطت و شفاعت میکردند که تقصیر و جرم اساسی نسبت بمقام سلطنت یا شخص حاکم نبود و راجع به حق الناس بود یعنی اگر هم فرضاً خون‌کرده بود چون مقتول او رعیت بی‌سروپائی یا کاسب بی‌پناهی بود ممکن بود از مجازات معاف باشد ولی اگر فرضاً خیانت بزرگی کرده بود الیته کسی جرئت شفاعت نداشته سهل است مقصرا را هم به‌مأمورین دولت تسلیم میکردند .
(ادامه دارد)